



بسیار پرمعنا، تندیس بزرگ زنی که چاشوبه کمر بسته و پای دستگاه پاچال، چادر شب می‌بافد.

داخل روستا که قدم می‌زنی، جلوی برخی از خانه‌ها، تابلویی با کاشی‌های قرمز رنگ و با آرم سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با این عنوان نصب شده است: «کارگاه صنایع دستی چادرشب بافی». وقتی موضوع را سؤال می‌کنی، می‌گویند این کاشی نشان می‌دهد در این خانه پارچه چادرشب بافته می‌شود. ۳۰ خانه از روستای قاسم آباد سفلی، این کاشی را دارند؛ اما اهالی می‌گویند اگر در هر خانه‌ای در قاسم آباد و حتی برخی روستاهای اطراف ابکوبی، دست کم یک دستگاه پاچال علم کرده‌اند. برخی هم چند دستگاه پاچال دارند؛ ولی بافنده‌هایی که زیر نظر میراث فرهنگی و به صورت خانگی کار می‌کنند، این تابلو سر در خانه‌شان نصب شده است.

در میانه روستا، مغازه‌هایی هم هستند که عرضه‌کننده محصولات تولید شده با استفاده از پارچه چادر شب‌اند و خیاط‌خانه‌هایی که پشت و پیرتین مغازه، سفارش دوخت لباس با پارچه چاشوب می‌پذیرند.

وقتی از اهالی روستا نام پیشکسوتان هنر چادرشب بافی را سؤال می‌کنم، نام‌هایی گفته می‌شود که برخی دیگر در قید حیات نیستند؛ «بانو حسن زاده، حاجیه احترام و خواهرش کلثوم شعبانی، زینب اسماعیل پور، زهرا نجفی، فرخنده رضاخانی، کلثوم محمدیان، کلثوم حسن زاده، سرور عباسپور، صغری محسن پور، ام‌البین غلامی، مهبانو امیرنیا و...»



در خیابان «برزگر» کوچه‌ای به نام «خلاقیت» نام‌گذاری شده است. به ساختمانی می‌روم که سر در آن تابلوی آبی رنگی با این عنوان نصب شده است: «خانه خلاقیت و نوآوری صنایع دستی روستای قاسم آباد».

روی دیوارهای حیاط، طرح‌ها و نقوش «چاشو» کشیده شده و روی تابلوی اعلانات، روزنامه‌ای نصب شده که تیتیر نخست آن به نقل از وزیر میراث فرهنگی است: «روستای قاسم آباد رودسر با محوریت چادرشب بافی به ثبت جهانی رسید». به سالن اصلی می‌روم. سالنی پر از دستگاه‌های پاچال و زنانی که پشت دستگاه نشسته، ماکویشان را نخ می‌کنند، رج به رج می‌بافند و تار و پود چاشو را شانیه می‌زنند. «روح انگیز» مسن‌تر از بقیه است. از ۱۸ سالگی پشت پاچال نشسته و حالا دارد برای جشن عروسی پسرش چاشویی با نقش «گل معجری» می‌بافد. از او اجزای پاچال را می‌پرسم. هر کدام را نام برده و کاربردهایش را توضیح می‌دهد: «عروس، پُرک، وُرد، شانیه، آُرچ، دستکش، نورت، ماکو و ماسوره».

«زهرا عباسی»، نقش «گل صندوقچه‌ای» می‌بافد. از بچگی کنار چله ابریشم می‌کشید. حالا که ۵۱ سال سن دارد، هر روز پشت پاچال می‌نشیند و نقوشی را می‌بافد که طرح‌های همه ذهنی است. هر آنچه زیر دست مادر دیده، همان را می‌بافد.

روی دیوار، چاشوی بزرگی نصب شده که بسیار ریزنقش و ظریف است. مدیر کارگاه، مانتویی پوشیده که بخش‌هایی از آن با پارچه قاسم آباد مزین شده است، او می‌گوید: «این چاشو حدود ۱۰۰ سال قدمت دارد و از ابریشم طبیعی بافته شده است».

«آسیه صادقی» می‌افزاید: «دختران قاسم آباد از بچگی چادرشب بافی را یاد می‌گیرند. ما با نگاه کردن، طرح‌ها را به حافظه سپرده‌ایم. از وقتی بچه بودیم، صدای مادر را پشت پاچال می‌شنیدیم که طرح‌ها را زمزمه می‌کرد و بر تار و پود شانیه می‌زد». لوح تقدیر آسیه صادقی به عنوان «بانوی کارآفرین برتر» و با امضای «معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده» بر دیوار نصب شده است. او ۲۰ سال است چادرشب می‌بافد و نخستین بانوی قاسم آبادی است که سعی کرده وسایل کاربردی از چادرشب تهیه کند.



صادقی درباره فعالیت خانه خلاقیت می‌گوید: «درست است که روی تابلو سر در، سال تأسیس ۱۳۹۶ حک شده؛ ولی ساخت این بنا به منظور حمایت از چادرشب بافان مربوط به سال ۱۳۵۳ است. آن زمان دولت تصمیم داشت با ساخت این مکان و خرید تضمینی پارچه چادرشب، از این صنعت حمایت کند. انتهای ساختمان هم یک کارگاه رنگری بود و همینجا نخ‌های پنبه‌ای و ابریشمی مورد نیاز چادرشب بافان، با رنگ‌های طبیعی رنگ می‌شد. دولت بافنده‌ها را بیمه کرده بود و پارچه‌ها را هم متری می‌خرید. بعد از انقلاب، تا سال ۱۳۶۰ این کارگاه فعال بود؛ ولی کم کم مدیریت‌های نادرست، نارضایتی‌های زیادی ایجاد کرد. بافندگان گله داشتند که خرید تضمینی پارچه‌ها به قیمت عادلانه نیست. البته بر اصالت طرح و رنگ‌ها هم نظارت درستی نمی‌شد. کم کم ۶۰ کارگاه فعال در قاسم آباد همگی تعطیل شده و تولید چادرشب محدود به خانه‌ها شد.

صندوق‌ها پر شده بود از چادرشب‌هایی که خریدار نداشت. بافندگان انگیزه تولید نداشتند. بسیاری از طرح‌های این هنر که ذهنی بود و سینه‌به‌سینه منتقل می‌شد، بافوت بافندگان قدیمی از بین رفت.

خود من چادرشب بافی را از مادرم یاد گرفتم؛ ولی به صورت حرفه‌ای‌تر از مادرشوهرم. اوایل چادرشب می‌بافتم و با واسطه در روزبازارهای هفتگی می‌فروختم؛ ولی دوست داشتم با چادرشب محصولات تولید کنم که کاربردی باشد و مردم دوباره به فکر احیای هنر دیرینه‌شان باشند. سال ۱۳۷۸ در یک نمایشگاه صنایع دستی شرکت کردم. آنجا بود که ایده دوخت کیف، لباس، رومیزی و کوسن با استفاده از چادرشب به ذهنم رسید.

کم کم تولیداتم را گسترش دادم و در نمایشگاه‌های دیگر شهرها معرفی کردم. در همین قاسم آباد هم یک مغازه دایر کردم و محصولات جدید را می‌فروختم. همین سبب شد بافنده‌های جوان‌تر انگیزه پیدا کنند. وقتی موضوع ثبت جهانی چادرشب پیش آمد، اداره میراث فرهنگی گیلان به فکر احیای دوباره این مکان افتاد. درست است که در قاسم آباد بیشتر بانوان تولید خانگی دارند؛ ولی اینجا مکانی است که علاقه‌مندان از نزدیک تولید پارچه سنتی گیلان را می‌بینند. مثلاً دانشجویان رشته نساجی یکی از مراجعه‌کنندگان به این مرکز هستند».



صادقی از بازدید مسئولان یونسکو می‌گوید: «خوشبختانه پس از بازدید غذا هیچ‌اوی، در بهمن ۱۳۹۸، روستای قاسم آباد به عنوان روستای جهانی چادرشب بافی در جهان ثبت شد. پس از آن، چادرشب بافان رغبت بیشتری برای تولید نشان دادند. در حال حاضر ۲۳ نفر در این کارگاه مشغول به کار هستند. اگر کسی بخواهد آموزش ببیند، می‌تواند ظرف ۱۰ روز چادرشب بافی را یاد بگیرد. تهیه یک پاچال ۲ میلیون تومان هزینه دارد و نوع نخ‌ها هم بسته به اینکه پنبه، ابریشم یا کاموا باشد، به قیمت روز متفاوت است. ما به نوآموزان مبتدی با کاموا آموزش می‌دهیم. البته قیمت کاموا هم در یک سال اخیر خیلی بالا رفته است».

صادقی آرزو دارد خانه خلاقیت همانند چند دهه پیش رونق پیدا کند و دولت پارچه‌ها را تضمینی از بافنده‌ها بخرد: «انتظار داریم مسئولان دست کم بیمه هنرمندان چادرشب باف را جدی بگیرند. در حال حاضر ۶۰۰ بانوی بافنده خانگی در قاسم آباد داریم که نه شناسنامه دارند و نه بیمه. تنها برای ۳۰ نفر از سوی میراث فرهنگی، کارت صنایع دستی صادر شده و گاهی بیمه آن‌ها هم به دلایل مختلف قطع می‌شود».

لایه‌لای رنگ‌های قرمز تند چاشو، شادی بافنده‌هایی را می‌بینم که «چاشو» به کمر بسته‌اند تا نام چادرشب در جهان زنده بماند.

**در خیابان «برزگر» کوچه‌ای به نام «خلاقیت» نام‌گذاری شده است. به ساختمانی می‌روم که سر در آن تابلوی آبی رنگی با این عنوان نصب شده است: «خانه خلاقیت و نوآوری صنایع دستی روستای قاسم آباد»**